



مرحله سوم

در مسیر



## یادآوری

در کتاب «دین و زندگی ۱» خواندیم که برنامه‌های زندگی ما به پنج بخش تقسیم می‌شود و دانستیم که پروردگار حکیم و هدایتگر، کامل‌ترین، بهترین و دقیق‌ترین برنامه‌ها را در هر بخش به ما عطا کرده است. اگر بخواهیم زندگی موفق‌تری داشته باشیم و پایان عمر ما در دنیا به رستگاری ابدی منتهی شود، باید این برنامه‌ها را بشناسیم و بدان‌ها عمل کنیم. از این رو، یک بار دیگر برنامه‌های پیشنهادی سال گذشته را مرور می‌کنیم.

ردیف	برنامه‌ها	بخش‌ها
۱	قرائت قرآن کریم و تفکر و تدبر در آن	ارتباط با خدا - ارتباط با خود
۲	انتخاب مقصد و هدف زندگی	ارتباط با خود
۳	تلاش برای معرفت بیشتر به خداوند	ارتباط با خدا
۴	بهره بردن از راه‌های تقویت ایمان	ارتباط با خدا
۵	عهد بستن با خدا برای انتخاب راه درست زندگی	ارتباط با خدا - ارتباط با خود
۶	بهره بردن از راه‌های تقویت عزم و تصمیم‌گیری	ارتباط با خدا - ارتباط با خود
۷	مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها و پیمان‌ها	ارتباط با خود
۸	داشتن دفتر برنامه‌ریزی	ارتباط با خود
۹	انجام صحیح و به موقع نماز	ارتباط با خدا
۱۰	انتخاب دوست و همراه مناسب	ارتباط با جامعه
۱۱	پرداختن به کار و تلاش و دوری از تنبلی	ارتباط با خود - ارتباط با جامعه



## دوستی با حق

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد.

خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند و فرمود: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»<sup>۱</sup> - رحمت هر چیزی را فراگرفته است» با همین اسم «رحمان»، آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد. گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند. خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند.<sup>۲</sup> بدین‌گونه اسم «غفار» خود را به نمایش گذاشت.

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت<sup>۳</sup> شایسته است از خود بپرسم:

بزرگ‌ترین عشق و محبتی که باید قلب ما را فراگیرد، عشق به کیست؟ این عشق چه ثمرات و نتایج به‌دنبال دارد؟

۱- اعراف، ۱۵۶

۲- توبه، ۱۱۸

۳- حافظ می‌گوید محبت و الفت، بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را بر اساس محبت بنا نهاد.

آیات شریفه ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و بعضی از مردم	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ
همتایانی به جای خدا می گیرند	مِنَ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا
آنهارا دوست می دارند مانند دوستی خدا	يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
اما کسانی که ایمان آورده اند	وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
به خدا محبت بیشتری دارند.	أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

بقره، ۱۶۵

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

فَاتَّبِعُونِي

يُحِبِّكُمْ اللَّهُ

وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

آل عمران، ۳۱

لَا تَجِدُ قَوْمًا

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

يُؤَادُونَ

مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

..... وَلَوْ كَانُوا عِبَادَهُمْ  
 ..... أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ  
 ..... أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

### مجادله، ۲۲

همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود  
 در روش ابراهیم و همراهان او  
 آن‌گاه که به قوم خود گفتند  
 به حقیقت که ما از شما بیزاریم  
 و از آن‌چه جز خدا می‌پرستید  
 نسبت به شما کافریم  
 و بدابیننا و بَیْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ  
 و کینه برای همیشه  
 مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.

### ممتحنه، ۴



با استفاده از توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

فَاتَّبِعُونِي = فَ + اتَّبِعُوا + ن + ی : پس مرا پیروی کنید  
 يُحِبُّكُمْ : تا شما را دوست بدارد  
 يُؤَادُونَ : دوستی می‌کند  
 حَادٌّ : دشمنی کرده است



با اندیشه و تدبیر در آیات، پیام‌های مربوط به دوستی را تکمیل کنید.

ردیف	پیام‌ها	سوره/آیه
۱	مردم بر دو دسته‌اند: گروهی..... دوست دارند. گروهی چیزهای دیگر را همتای خدا می‌گیرند و.....	.....
۲	لازمه‌ی دوستی با خداوند.....	.....
۳	نمی‌شود کسی..... ولی با دشمنان او.....	.....
۴	حضرت ابراهیم (ع) و کسانی که به او اقتدا می‌کنند، همواره از کسانی که..... می‌پرستند و از آن‌چه..... بیزاری می‌جویند و اعلام براءت می‌کنند.	.....
۵	میان کسانی که با خدا دوستی می‌ورزند و کسانی که دشمنان خدا هستند، برای همیشه رابطه‌ی..... برقرار است، مگر آن که آنان از دشمنی با خدا دست بردارند.	.....

اگر به مجموعه‌ی این پیام‌ها نگاه دیگری کنیم، می‌بینیم که قرآن کریم از رویارویی و تقابل دو گروه سخن می‌گوید: گروهی که زندگی خود را بر محور حبّ و عشق به خداوند بنا کرده‌اند و گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبّت غیر او را برگزیده‌اند. گویا تاریخ، سرگذشت مقابله‌ی این دو جریان بوده است: مقابله‌ی ابراهیم با نمرو، موسی با فرعون، عیسی با حاکم مشرک روم<sup>۱</sup> و کاهنان یهود و پیامبر گرامی اسلام با مشرکان حجاز.

راستی، ریشه‌ی این مقابله چیست؟

آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟

هر کدام از ما خود را در کدام جبهه می‌یابد؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، به نقش محبّت و عشق در زندگی انسان می‌پردازیم و تأثیر آن

را در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی افراد بررسی می‌کنیم.

۱- در آن زمان، یونانیوس پیلطس از طرف امپراتور روم بر فلسطین حکومت می‌کرد.

## نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه‌ی اصلی تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دل بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدم‌ها جهت می‌بخشد.

هر قدر این محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است. یک دختر و پسر، قبل از ازدواج، به چیزی جز خود نمی‌اندیشند. دنیای آن‌ها بر محور خود می‌چرخد و به کارهای خود و علاقه‌های شخصی خود سرگرم‌اند. این دختر و پسر، همین که کانون خانواده را تشکیل دادند و به هم دل بستند، سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می‌بینند، شعاع خواسته‌هایشان وسیع‌تر می‌شود و چه بسا خواسته‌های همسر بر خواسته‌های خود تقدم می‌یابد و آن‌گاه که صاحب فرزند شوند، رفتارشان به کلی عوض می‌شود. پسر، فردی چالاک و پرتحرک می‌گردد و برای رفع نیازهای زن و فرزند، راحتی را از خود می‌گیرد و دختر، با صدای کودک، مانند برق می‌جهد و سراسیمه به سوی فرزندش می‌دود. همین دختر که تا دیروز کم‌طاقت و زودرنج جلوه می‌کرد، اکنون با قدرت شگرفی در مقابل بی‌خوابی، گرسنگی و کار زیاد، صبور و شکیباست. محبت به فرزند سبب می‌شود از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند و فردی اینارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود.<sup>۱</sup>

## محبت به حق

اگر عشق و محبت انسان از این امور محدود فراتر رود و دل به سرچشمه‌ی کمالات و زیبایی‌ها سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می‌کند. سرگذشت دوستان خدا این‌گونه است. آن کس که به خدا ایمان دارد و محبت او را در قلب خود جای داده است، به میزانی که ایمانش اوج می‌گیرد و محبتش فزون‌تر و عمیق‌تر می‌شود، احساس حیاتی دوباره می‌کند و شور و شوقی فرح‌بخش وجودش را فرا می‌گیرد؛ از این رو مشتاقان عشق الهی ندا سرداده‌اند:

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز	الهی سینه‌ای ده آتش افروز
دلی در وی، درون درد و برون درد	کرامت کن درونی درد پرورد
دل افسرده غیر از آب و گل نیست <sup>۲</sup>	هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست

عشق و محبت الهی افسردگی، خمودی، ترس و جبن را از بین می‌برد و نشاط، تحرک، شجاعت

۱- جاذبه و دافعه‌ی علی علیه‌السلام، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۳۸

۲- وحشی بافقی

و قدرت می‌بخشد. سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاعت و ناشکیبا را متحمل و شکیبیا می‌کند و بالاخره آدمی را از خودخواهی و نفع‌پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند؛ همت و اراده را قوی، غلّ و غش‌ها را پاک و اندیشه را خلاق می‌کند. خلاصه، عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند.



🌸 در زندگی پیامبران، امامان، مجاهدان و شهیدان راه خدا نگاه کنید و نمونه‌ای از فداکاری و ایثار آنان را که نشانه‌ی عشق به خداوند است، در کلاس گزارش کنید.

## آثار محبت به خدا

۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی است. در شعری منسوب به امام صادق (ع) آمده است:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟  
به جان خودم این رفتاری شگفت است.  
اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛  
زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.<sup>۱</sup>

برخی می‌گویند: قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد، اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است. این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند می‌فرماید اگر مرا دوست دارید و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، شایسته است از دستورات من پیروی کنید. چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه‌ی قلبی کند اما برخلاف خواسته‌ی او عمل نماید؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ<sup>۲</sup> - کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد.  
خواسته و فرمان خداوند، یعنی «دین»، همان برنامه‌ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست. او

۲- امالی شیخ صدوق، ص ۳۶۹.

۱- جاذبه و دافعه‌ی علی علیه‌السلام، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۶۰



نیازی ندارد تا به ما فرمان دهد و نیازش را برطرف کند. خداوند، در فرمان‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. مانند دوست ریاکاری نیست که فقط به خواسته‌ی دل ما توجه کند. او ناصحانه به ما هشدار می‌دهد که چه بسیار چیزهایی که شما خوشتان می‌آید ولی به ضرر شماست و چه بسیار چیزهایی که بدتان می‌آید اما به نفع شماست. حتی اگر احساس کنیم برخی دستورهای خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای سعادت ما ضروری است. باید بگذاریم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آن‌گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد.

امام سجاد (ع) در ابتدای یکی از مناجات‌های خود، به خدا عرض می‌کند:

«خدایا! کیست که شیرینی دوستی با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟»

آن‌گاه، پس از مقداری راز و نیاز، می‌گوید:

«ای آرزوی دل مشتاقان

و ای نهایت آرمان دوستان

دوستی تو را از تو می‌خواهم

و دوستی هر که تو را دوست دارد

و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می‌کند.»<sup>۱</sup>



🌀 درباره‌ی محبت‌های خداوند به خود بیندیش و ببین که تاکنون پاسخ‌های

مناسبی به این محبت‌ها داده‌ای؟ در این تأمل نیم‌نگاهی هم به سرپیچی‌های خود داشته باش.

۲— دوستی با دوستان خدا: وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه‌ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می‌یابد و به مقداری که این رنگ و نشان بیش‌تر و قوی‌تر باشد، علاقه و محبت نیز فزون‌تر می‌شود. در منظومه‌ی عاشقان و دوستان الهی که برگرد کعبه‌ی وجود او حلقه زده‌اند، نزدیک‌ترین آن‌ها، رسول خدا (ص) و اهل بیت ایشان (ع) هستند که مظهر تمام و کمال حق و جلوه‌ی زیبایی‌های اویند. هرکس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می‌یابد.

۱- مفاتیح‌الجنان، مناجات‌المحبین از مناجات‌های خمس عشره.

۳- **بیزاری از دشمنان خدا** : عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد. دوستدار زندگی و بقا، از نیستی و نابودی متنفر است. دل‌بسته‌ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ربا و بی‌وفایی بیزار است و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضدخدایی است، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

حضرت علی (ع) در یکی از مراسم حج، که مسلمانان از نقاط مختلف به مکه آمده بودند، از طرف رسول خدا (ص) مأموریت یافت این خبر را به مردم برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به مشرکین اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید.<sup>۱</sup>

۴- **مبارزه با دشمنان خدا** : عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با زشتی‌ها، ستم و ستمگران بوده‌اند. همه‌ی پیامبران، از حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) تا پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زندگی خود را در مبارزه‌ی با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد.

از این رو «جهاد در راه خدا» در برنامه‌ی تمام پیامبران الهی بوده و بیش تر آنان در حال مبارزه‌ی با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می‌نگریم، مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع و لذا بددنیایی خود حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و حتی از داشتن یک سرزمین برای زندگی شرافت‌مندانه محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین نمونه‌ی آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

### تطبیق

🌸 با بررسی و تحلیل دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزین به حقوق انسان‌ها را مشخص کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همه‌ی مظلومین و ستم‌دیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

نتیجه این که :

دینداری با دوستی با خدا آغاز می‌شود و براءت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد. به همین جهت اگر کسی بخواهد قلبش را خانه‌ی خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن

۱- سوره‌ی توبه، ۱ تا ۳

بیرون نماید. جمله‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرتّب از یک نفی و یک اثبات است: «نه» به هر چه غیرخدایی است و «آری» به خدای یگانه.<sup>۱</sup>

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولّی (دوستی با خدا) و تبری (بیزاری از باطل) و به‌میزانی که دوستی با خدا عمیق‌تر باشد نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی «رحمة الله علیه» در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می‌گوید: «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.»<sup>۲</sup>

بر مبنای همین تحلیل، ایشان به مسلمانان جهان سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.»<sup>۳</sup>



## محبت با معرفت

چه زیبا و شورآفرین است که برنامه‌ی زندگی ما سرشار از جلوه‌های محبت و دوستی به پیامبر گرامی و اهل بیت ایشان صلوات الله علیهم است و همان‌طور که امام صادق (ع) از ما خواسته‌اند، در شادی آنان شاد و در مصیبت آنان سوگوار و عزادار هستیم. با حضور فعال در مراسم بزرگداشت اهل بیت (ع) محبت خود را نشان می‌دهیم و زمینه‌های پیروی از آن بزرگواران و رشد و کمال خویش را فراهم می‌سازیم.

برای این که مراسم بزرگداشت اهل بیت (ع) و جلوه‌های دوستی ما به آنان بیش‌تر رشد دهنده و قابل قبول‌تر به پیشگاه خداوند باشد، توجه و مراعات موارد زیر ضروری است:

۱- این محبت و دوستی را با معرفت و شناخت عمیق نسبت به آنان همراه کنیم

۱- سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۲۸۵

۲ و ۳- پیام امام خمینی رحمه الله علیه به مناسبت حج ۱۴۰۷ هـ. ق برابر با ۱۳۶۶ هـ. ش

و شور خود را با شعور عجین سازیم تا مراسم جشن‌ها و سوگواری‌ها متناسب با شأن و منزلت آن بزرگواران باشد و از چارچوبی که دین تعیین کرده، خارج نگردد. محبت‌های آمیخته با جهل همواره خطرناک است و در بسیاری از موارد به رفتارهایی منجر می‌شود که خدای متعال و پیشوایان دین از آن بیزارند.

امام علی(ع) می‌فرماید:

دو تن در رابطه‌ی با من هلاک شدند: دوستی که (در دوستیش) غلو و زیاده‌روی می‌کند (و مرا از مرتبه‌ی ولایت و امامت بالاتر می‌برد) و دشمنی که در دشمنی با من پای می‌فشرد.<sup>۱</sup>

یکی از یاران امام صادق(ع) می‌گوید روزی به دیدار امام رفتم. ایشان به من فرمود:

ای حیثمه سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان اعلام کن پاداش الهی را جز با عمل، و ولایت ما را جز با خویشتن‌داری به دست نمی‌آورند. ای حیثمه کسی که ولایت ما و معرفت نسبت به ما را ندارد هیچ سودی نخواهد برد.<sup>۲</sup>

سیره‌ی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که آنان با ادعای محبت بدون معرفت و بدون عمل مبارزه کرده و پیروان خود را از آن منع کرده‌اند. بنابراین نزدیکی هر کس به آنان به مقدار محبت همراه با معرفت و عمل است.

۲- محتوای مراسم جشن یا سوگواری اهل بیت(ع)، از قبیل اشعار، سرودها و مداحی‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شود که بیانگر محبت همراه با معرفت و سازگار با اصول اسلامی و سایر احکام شرعی باشد. عبارت‌ها و جملاتی که برای این بزرگواران به کار می‌بریم باید مورد قبول خودشان باشند. با مراجعه‌ی به متن زیارت‌ها، مانند زیارت جامعه، می‌توانیم بهترین اوصاف را درباره‌ی آن بزرگواران بیابیم و استفاده کنیم. به یاد داشته باشیم که بزرگ‌ترین ویژگی پیامبر اکرم(ص) و امامان بزرگوار «بنده‌ی خدا» بودن است که همه روزه ۹ بار در تشهد نمازهای واجب آن را تکرار می‌کنیم و می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

۱- نهج البلاغه، ترجمه‌ی فیض الاسلام، حکمت ۱۱۷

۲- الشیعه فی احادیث الفرقین، سیدمرتضی موحد ابطحی، ص ۳۵۴.

۳- سرودها، نوحه‌ها و سایر اجزای مراسم باید پرمحتوا، عمیق، معرفت‌زا و حماسی باشد به گونه‌ای که هم مناسب با کرامت و منزلت آن بزرگواران باشد و هم روح شجاعت و حماسه و ایثار را در جامعه بدمد. اشعار و عبارات سطحی و پیش‌پا افتاده و انجام حرکات نسنجیده به بهانه‌ی شادی یا سوگواری موجب رنجش آن بزرگواران و در نتیجه، بی‌زاری خداوند از ما شود.

۴- توجیهاتی از قبیل «درهنگام ابراز محبت آداب را باید کنار گذاشت»، «اهل بیت (ع) انسان‌هایی بزرگوارند و از خطای ما می‌گذرند» و «عشق را نمی‌توان کنترل کرد و با احکام محدود ساخت»، هیچ‌کدام در درگاه الهی و پیشگاه اهل بیت (ع) پذیرفته نیست و مجوز رفتارهای مخالف دین نمی‌شود. اگر کسی در مراسم مربوط به پیشوایان دین مرتکب رفتارهای دور از معرفت و مخالف شرع شود، چه بسا مجازاتی سنگین‌تر از کسی داشته باشد که در شرایط عادی این رفتارها را انجام می‌دهد. این مراسم باید تجلی‌گاه عفاف و حجاب ظاهری، عفاف در کلام، تواضع و فروتنی، انجام به موقع واجبات دینی مانند نماز، کمک به هم‌نوعان، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت حقوق همسایگان، حفظ اموال عمومی، دوری از رقابت‌ها و حسادت‌ها و در یک کلام، باید تجلی‌گاه معرفت به ائمه (ع) باشد.

۵- همه‌ی ما مسئولیت داریم که در این‌گونه مراسم وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را به دقت انجام دهیم. چرا که از بزرگ‌ترین منکرهای حرمتی به پیشوایان دین در مراسمی است که برای حرمت و بزرگداشت آنان برگزار می‌شود. به همین جهت ضرورت دارد به نکات زیر توجه نماییم:

الف- بدانیم که برنامه‌ها و کارهای ما در مراسم دینی، موافق احکام الهی است که فقیهان جامع‌الشّریط در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند.

ب- در مواردی که برای ما مشکوک است، به عالمان دین در شهر و دیار خود مراجعه کنیم و نظر آنان را جویا شویم تا با اطمینان خاطر آن اعمال را انجام دهیم.

# گام پنجم

## تنظیم رابطه‌ها بر معیار دوستی با خداوند

تلاش می‌کنیم:

- ۱- رابطه‌ی عاشقانه و محبت‌آمیز خود با خدا را عمیق‌تر و پایدارتر کنیم و به آن چه او برایمان می‌پسندد و فرمان می‌دهد راضی باشیم.
- ۲- با دوستان او رابطه‌ی دوستی و مهر برقرار کنیم و از دشمنان او دوری ورزیم تا از او فاصله نگیریم و راه به سوی او را گم نکنیم.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- برای تقویت دوستی خود با خداوند، از چه راه‌هایی می‌توان کمک گرفت؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟

### پیشنهاد

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان (صلوات الله علیهم) و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از اشتیاق آن‌ها به حق و مبارزه‌شان با زشتی و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی - رحمه الله علیه - که از پیروان راستین پیامبر اکرم (ص) بود، زندگی خود را در مبارزه‌ی با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟